

Analysis of the content of the discourse of resistance economy policies in the statements of the Supreme Leader

Dawood Dawoodi¹

Received: 17 April 2023

Masoud Jafarnejad²

Reception: 22 May 2023

Ahmed Azin³

Abstract

In recent years, the application of unfair economic sanctions against Iran led to the emergence of restrictions in the domestic business space. Therefore, based on the need that was felt more than before in the country, the discourse of resistance economy was raised for the first time by the Supreme Leader. Resistance economy is a practical and theoretical discourse to exemplify a type of economy that is expressed by the leadership to face economic sanctions. Therefore, the present study aims to answer the question, what does resistance economy mean in the speech of the Supreme Leader? The purpose of this research is to investigate the resistance economy discourse of the Supreme Leader. The hypothesis of this research is that the speech of the Supreme Leader's resistance economy includes domestic and foreign economy, which is presented as a local model of progress. This research, which has been conducted by the discourse analysis method, has used the theme analysis method in the data analysis and has drawn the resistance economy discourse of the Supreme Leader in the form of a theme network model. Sampling in this research was done in a purposeful way and after analyzing 10 texts of speeches of the Supreme Leader regarding resistance economy, theoretical saturation has been reached. Finally, the findings of the research show that the Supreme Leader's resistance economy discourse has three overarching themes: "endogenous economy", "external economy" and "native model of progress".

Keywords: resistance economy, Islamic-Iranian model of progress, discourse analysis, theme analysis, theme network, Supreme Leader.

¹. Doctoral student of Political Science Department, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran.

². Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Responsible author)

³. Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran

<http://doi.org/10.30510/pssci.2024.472044.1045>

تحلیل مضمون گفتمان سیاست های اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری

داود داودی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۸

مسعود جعفری نژاد*^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

احمد آذین^۳

چکیده

در سال های اخیر، اعمال تحریم های اقتصادی ناعادلانه علیه ایران منجر به بروز محدودیت هایی در فضای کسب و کار داخلی شد. از همین رو، براساس نیازی که بیش از پیش در کشور احساس میشد، گفتمان اقتصاد مقاومتی برای نخستین بار از سوی مقام معظم رهبری مطرح گردید. اقتصاد مقاومتی، گفتمانی عملی و نظری برای نمونه سازی گونه ای از اقتصاد است که برای رویارویی با تحریم های اقتصادی، از سوی رهبری بیان شده است. از این رو پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال است که اقتصاد مقاومتی در گفتمان مقام معظم رهبری به چه معناست؟ هدف این پژوهش آنست که به بررسی گفتمان اقتصاد مقاومتی مقام معظم رهبری بپردازد. فرضیه این پژوهش بر آنست که گفتمان اقتصاد مقاومتی مقام معظم رهبری، شامل اقتصادی درون زار و برون گرا است که به عنوان یک الگوی بومی پیشرفت مطرح شده است. این پژوهش که به روش تحلیل گفتمان انجام گرفته است، در تحلیل داده ها از روش تحلیل مضمون استفاده کرده و گفتمان اقتصاد مقاومتی مقام معظم رهبری را در قالب الگوی شبکه مضامین ترسیم نموده است. نمونه برداری در این پژوهش به صورت هدفمند انجام گرفته و پس از تحلیل ۱۵ متن سخنرانی مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی به اشباع نظری رسیده است. در نهایت یافته های تحقیق نشان می دهد که گفتمان اقتصاد مقاومتی مقام معظم رهبری دارای سه مضمون فراگیر «اقتصاد درون-زا»، «اقتصاد برون گرا» و «الگوی بومی پیشرفت» است.

کلیدواژه: اقتصاد مقاومتی، الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، تحلیل گفتمان، تحلیل مضمون، شبکه مضامین، مقام معظم رهبری.

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران. abi2_2006@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

pegah420ma@yahoo.com

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. azin@iaush.ac.ir

نظم سلسله مراتبی پیشین در چند دهه اخیر در حال دگرگونی های عمده ای بوده و ایالات متحده به عنوان تنها ابرقدرت پس از جنگ سرد دیگر به عنوان قدرت هژمون این نظم از طرف بازیگران مستقل به رسمیت شناخته نمی شود. یکی از بازیگران مستقلی که این نظم سلسله مراتبی با قدرت فائقه ایالات متحده آمریکا را به چالش کشیده است، جمهوری اسلامی ایران است. انقلاب اسلامی ایران که به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوست، پرچمدار استقلال طلبی و مبارزه با استکبار جهانی در نظم بین الملل شد. این روند تا به امروز نیز همچنان ذیل مدیریت رهبر فرزانه انقلاب ادامه داشته و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر مستقل، همواره سیاست های سلطه طلبانه غرب را به چالش کشیده است. این باعث ایجاد فشارهای سیستمی فراوانی بر جمهوری اسلامی ایران شده که در راس این فشارها، ایالات متحده قرار دارد. آمریکا به عنوان قدرت هژمون نظم سلسله مراتبی مورد ادعای خود همواره سعی داشته تا قدرت های مستقل را تحت فشار قرار گذاشته تا به نظم مورد نظر واشنگتن تن دهند. ایالات متحده با این زاویه دید و با چنین رویکردی، خصوصاً در یک دهه گذشته تحریم های اقتصادی بی سابقه ای به بهانه های مختلف علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال نموده و به زعم واضعان این تحریم- های به اصطلاح فلج کننده، جمهوری اسلامی ایران توان مقاومت در برابر این تحریم ها را نداشته و نهایتاً تحت فشار چنین تحریمهای چندجانبه ای، نهایتاً به خواست های ایالات متحده تن خواهد داد. گر چه در عالم واقع این تحریمها بی اثر نبوده و تاثیرهای مخربی بر اقتصاد ایران به جا گذاشته است، اما به هیچ وجه توقعات و انتظارات واضعان آنها را برآورده نساخته است. جمهوری اسلامی ایران در برابر این تحریم ها از تمام ابزارها و توانمندی های خود استفاده کرده و حتی الامکان موفق به خنثی سازی بخش عظیمی از این تحریمه ها شده است.

مهمترین رویکرد و استراتژی جمهوری اسلامی ایران در برابر این تحریم ها، استراتژی اقتصاد مقاومتی بوده که در سال ۱۳۹۲ توسط مقام معظم رهبری بیان شد. اقتصاد مقاومتی همانطور که از اسم آن پیداست به دنبال مقاوم سازی اقتصاد ایران و افزایش تاب آوری آن در برابر تکانه های اقتصاد جهانی و فشارهای سیستمی ناشی از نظام سرمایه داری از جمله تحریمها است. اما اقتصاد مقاومتی به هیچ عنوان به معنای حصار کشیدن دور کشور و قطع ارتباط با اقتصاد جهانی نیست. همانطور که رهبر معظم انقلاب فرمودند، اقتصاد مقاومتی اقتصادی درون زار و برون گراست که به دنبال رونق تولید و افزایش ارتباط با اقتصاد جهانی است. در واقع اقتصاد مقاومتی، مدل و الگوی توسعه اقتصادی ایران در شرایط تحریم است. نظر به اهمیت موضوع و شرایط ویژه ای که کشور در آن قرار دارد، پژوهش حاضر نیز با بررسی مفهوم اقتصاد مقاومتی، به دنبال تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی در گفتمان مقام معظم رهبری

است. همچنین پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال است که اقتصاد مقاومتی در گفتمان مقام معظم رهبری به چه معناست؟ روش تحقیق در پژوهش حاضر، روش تحلیل گفتمان است که تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل مضمون و ابزار تجزیه و تحلیل داده نیز به روش شبکه مضامین صورت گرفته است. این پژوهش به صورت هدفمند متن ۱۵ سخنرانی از مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی را به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته و نمونه گیری را تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داده که نهایتاً این پژوهش در تحلیل دوازدهمین متن سخنرانی مقام معظم رهبری به اشباع رسیده اما حجم نمونه را تا ۱۵ سخنرانی ادامه داده است. پژوهش حاضر در پایان متن سخنرانی های مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی در در الگویی از شبکه مضامین ترسیم کرده و یافته های این الگو نشان می دهد که گفتمان اقتصاد مقاومتی مقام معظم رهبر دارای سه مضمون فراگیر «اقتصاد درون‌زا»، «اقتصاد برون‌گرا» و «الگوی بومی پیشرفت» است که در ادامه پژوهش به بررسی دقیق‌تر و جزئیات تحقیق پرداخته خواهد شد؛ ابتدا ادبیات نظری تحقیق در خصوص اقتصاد مقاومتی، خصوصاً نظریات مقام معظم رهبری بررسی شده، سپس روش تحقیق به طور مبسوط شرح داده خواهد شد و نهایتاً تجزیه و تحلیل داده و توضیح یافته های تحقیق انجام خواهد گرفت.

۱-۱- مفهوم اقتصاد مقاومتی

اصطلاح اقتصاد مقاومتی اولین بار در سال ۲۰۰۵ پس از محاصره غزه توسط رژیم اشغالگر قدس که مواد غذایی و نهاده های اولیه برای تولید و پیشرفت اقتصادی را نیز شامل می شد و ناتوانی غزه در صادرات، امکان صادرات و کشت بسیاری از محصولات کشاورزی از جمله توت فرنگی را کاهش داده بود مورد استفاده قرار گرفت و ضوابط و معیارهای حاکم بر مفهوم اقتصاد مقاومتی شناسایی گردید. پس از تشدید تحریم‌ها علیه ایران در سال‌های اخیر، این شیوه توسط جمهوری اسلامی ایران نیز ترویج شد و هدف از آن استفاده از توان تولید داخلی و مقاومت در مقابل تحریم‌ها با ایجاد کمترین بحران بود (Salah, 2014: 37).

منظور از اقتصاد واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته. چنان که مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر مهم حرکت و پیشرفت تعریف می شود. اقتصاد مقاومتی باید الهام گرفته از نظام فرهنگی اسلامی و مبتنی بر فرهنگ دینی باشد. توجه ویژه به توان و قدرت و استعداد و ظرفیت ملت در این موضوع ضروری است. اقتصاد مقاومتی نیازمند مقاومت مدبرانه است (قدیم ملالو و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۵). اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است مبتنی بر تلاش جهت کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای رسیدن به خوداتکایی. لذا تأکید آن بر اقتصاد تولید محور است و مردم در این اقتصاد نقش

محوری دارند چه در جایگاه تولید و چه جایگاه مصرف. در این اقتصاد مصرف کنندگان دارای رفتار اقتصادی و به دور از اسراف و تبذیر هستند.

اقتصاد مقاومتی سیستمی است که در صدد است با محوریت توسعه منابع انسانی، انضباط و قانونمندی رشد و پایداری اقتصادی را برقرار سازد. اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن است. در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش فرض چنین موضوعی است. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویا است، چنانچه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می‌شود در واقع هدف در اقتصاد مقاومتی آن است که بر فشارها و ضربه‌های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که دو راه پیشرفت جامعه است غلبه کرد. اقتصاد مقاومتی به این معناست که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند روبه رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری کشور کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی به گونه‌ای باشد که در برابر ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های گوناگون خواهد بود کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. البته اقتصاد مقاومتی، فقط جنبه نفی نیست؛ یعنی اقتصاد مقاومتی به معنای حصارکشیدن دور خود و فقط انجام کارهای تدافعی باشد؛ بلکه اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که به یک ملت امکان و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند. این یک فکر است، یک مطالبه عمومی است. قاعدتاً در چنین فضایی هم دشمن بیرونی وجود دارد و هم دشمن داخلی و از طرف دیگر امکانات بیرونی و داخلی نیز فراهم است. به عبارت دیگر اقتصادی که این نوع مؤلفه‌ها را به خوبی می‌فهمد و جامعه را بر اساس آن مدیریت می‌کند. اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی بیگانه نیست، بلکه می‌توان گفت یک نوع مکمل اقتضایی آن است که به ضرورت زمان فعلی ما باز می‌گردد و در شرایط فعلی تحریم ضرورت آن دو چندان است (عبدالمنافی و وظیفه آزادانی، ۱۳۹۷: ۳۴).

بسیاری از مطالعات خارجی و عربی، به بررسی مدیریت، بحران‌های مالی و اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی، پرداختند. برای مثال، بوین و کانل در بررسی بحران‌ها، نشان دادند که اتفاقات ناگهانی، سبب تهدیدی برای وضعیت فعلی اقتصاد، می‌باشد و سوء ظن‌ها و نگرانی‌ها، گیجی، مشکلات کنترلی، می‌تواند بر مدیریت بحران اقتصادی موثر باشد. بریگاگلیو و همکاران اقتصاد مقاومتی را توانایی بازیابی یا تنظیم اقتصاد کشور در مقابل اثرات شوک‌های خارجی تعریف کرده‌اند. ایدر و همکاران در بررسی رویکردهای اسلامی در مدیریت بحران‌های اقتصادی، نشان دادند که دلیل رویکرد‌های اسلامی، می‌تواند به طور دقیق تر و بر اساس اصول اسلامی که خداوند در تعیین کرده‌اند، بهتر می‌تواند بحران‌های مالی را مدیریت

نمایند. عبدل حلیم غربی در بررسی مطالعات دانشمندان مسلمان، در بررسی دستاورد های عملی خود در زمینه بحران های اقتصادی، پیوند بین ساست های مالی و تغییرات اقتصادی (بحران های اقتصادی) نشان دادند که بحران های اقتصادی به دلیل رفتارهای انسانی ایجاد می شود و افراد با اقدامات خود، منجر به جنگ، تقلب، رشوه خواری و هزینه های بالای مسکن و کم ارزش شدن پول، می گردد. سببی رشید در بررسی مدیریت بحران از طریق قرآن مانند، فقر، اشتغال، وام، به این امر تاکید کرده اند که شناسایی علایم هشدار دهنده، می تواند از طریق یادگیری مستمر و ارزیابی مجدد قوانین بر اساس امور اسلامی، می توانند به مدیریت بهتر بحران، منجر شود. ویان صالح در بررسی اقتصادی خود نشان داد که با درک مناسب از آموزه های اسلامی می تواند، نشانه های بحران را به خوبی درک کرد و برنامه ریزی مناسب برای امور اقتصادی، در نظر گرفت. هر طرح و الگوی پیشرفت و توسعه ملی شامل هسته مرکزی در چارچوب برنامه های خود است که در طول اجرای آن و پیش رفتن به سوی اهداف نباید در معرض ابطال و انحراف قرار گیرد. در مدل پیشرفت اسلامی ایرانی، توحید به عنوان هسته مرکزی و سخت این مدل قرار می گیرد و هر فرض دیگری، عنصر یا عامل قابل طرح در این مدل بایستی سازگاری یا عدم سازگاری آنها با عنصر معرفت دینی تحلیل شود. که در صورت معارض قرار گرفتن، فرض یا عنصر یا عامل وارد شده به مدل پیشرفت مورد نظر (اسلامی-ایرانی) با هسته توحیدی، فرض شناخته شده از مدل خارج خواهد شد. جامع ترین و کامل ترین الگوی موجود پیشرفت اسلامی-ایرانی را برگرفته از مبانی موجود در قانون اساسی می داند (پیغامی، ۱۳۹۰: ۳۱-۳۵). به عبارت دیگر او معتقد است که الگوی ملی هر پیشرفتی باید در متن قانون اساسی آن کشور متجلی شود. برای تحقق آن الگو که قانون اساسی به آن تصریح دارد، نیازمند مدل های اجرایی فراوان هستیم که بایستی محققان و اندیشمندان به آن توجه کنند.

رهبر معظم انقلاب نیز در موارد مختلف، تعاریف متعددی از اقتصاد مقاومتی ارائه داده و ویژگی های آن را بیان کرده است. از نظر معظم له اقتصاد مقاومتی یک بحث تئوریک محض مختص دانشگاه و حوزه نیست، بلکه بیشتر اقتصاد کاربردی است. اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست، یک واقعیت اقتصادی است که شاخص های آن ریشه در عمل دارد، نه حرف. اقتصاد مقاومتی اقتصاد درونزا است. یعنی از دل ظرفیتهای خود کشور ما و خود مردم ما میجوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان است. اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور میکنیم و محدود میکنیم در خود کشور؛ نه، درونزا است، اما برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه میشود. بنابراین درونزا است، اما درون‌گرا نیست. اقتصاد مقاومتی مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی

است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا میکند. اما «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است یعنی از پیشرفتهای علمی استفاده میکند، به پیشرفتهای علمی تکیه میکند، اقتصاد را بر محور علم قرار میدهد؛ اما معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان میتوانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؛ تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارتهای کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند - میتواند اثر بگذارد و میتواند در این اقتصاد نقش ایفا کند (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱/۱۳۹۳).

رهبر معظم انقلاب با مطرح کردن بحث اقتصاد مقاومتی در صددند یک الگوی بومی ایرانی - اسلامی بر اساس توانمندیها و نیازهای داخلی برای پیشرفت کشور تبیین کنند. جوامع بشری برای نظم بخشیدن به حیات اقتصادی خود، از مفاهیم و اندیشه‌هایی که در فرهنگشان وجود دارد، استفاده می‌کنند و در حقیقت؛ آن را تبدیل به یک مکتب اقتصادی می‌کنند. بر این اساس، هر جامعه‌ای را می‌توان دارای یک نوع مکتب اقتصادی دانست؛ زیرا در هر جامعه‌ای مفاهیم و اندیشه‌هایی وجود دارد که طبق آن به زندگی اقتصادی خود سر و سامان می‌دهند. روش و بینش، دو امر اساسی و مهم در مسئله مکتب اقتصادی در این تعریف است. با دستیابی به چنین الگویی می‌توان برای رفاه جامعه طراحی‌هایی را انجام داد. اقتصاد مقاومتی، مکتب اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است. نکته جالب‌تر و شاید مهم‌تر آن است که طرح موضوع «پیشرفت» در ادبیات سیاست‌های کلی نظام اسلامی ایران به جای توسعه، افقهای جدیدی فراتر از مبانی «توسعه» را که به شدت متکی بر شاخص‌های اقتصادی و تا حدودی انسانی مورد نظر جامعه علمی رایج غربی می‌باشد، مطرح کرده است و این خود ایجاد فرصتی برای بررسی ساختار اقتصاد مقاومتی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.

۲- روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل گفتمان انتقادی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. تحلیل گفتمان، تحلیل زبان نوشتاری و گفتاری در ارتباط با بافت اجتماعی آن است و به شیوه‌ای اشاره دارد که انواع مختلف زبان معنا را می‌سازند. پیدایش تحلیل گفتمان را می‌توان به کار نظریه‌پرداز فرانسوی میشل فوکو ردیابی کرد که گفتمان‌ها را گزاره‌هایی می‌دانست که در جامعه معنادار می‌شوند و سپس از طریق گفتمان مذکور بازتولید می‌شوند. اساساً، تحلیل گفتمان با ارزش تلقی می‌شود، زیرا به دنبال این است که مشخص کند چگونه و چرا به برخی «متن‌ها» یا سیستم‌های اجتماعی اهمیت داده می‌شود و بنابراین به ما کمک می‌کند تا دنیای اطراف خود را

بهرتر درک کنیم. تحلیل گفتمان همچنین ابزاری برای تحلیل نقش زبان در تقویت و تولید چنین نظام‌های ارزشی اجتماعی و واقعیت‌های مادی فراهم می‌کند. از این نظر، «زبان آنقدر که جهان را تولید می‌کند توضیح نمی‌دهد» (Dunn and Neumann, 2016: 2).

تحلیل گفتمان معمولاً با خواندن دقیق و بازخوانی متون آغاز می‌شود. بازخوانی متون، تحلیلگر را قادر می‌سازد تا به جزئیات کوچک و الگوهای سیستماتیک درون داده‌ها توجه کند که می‌تواند الگوها، تنوع و سازگاری‌ها را برجسته کند. پس از این مرحله، می‌توان فرضیه‌ای پیرامون چگونگی عملکرد برخی اشکال زبانی در آن زمینه ایجاد کرد. در حالی که تحلیل گفتمان در چارچوب نظری ساخت‌گرای گسترده‌ای گنجانده شده است، رویکرد تحلیلی اعمال شده بر اساس زمینه معرفت‌شناختی تحقیق متفاوت خواهد بود (Albertin et al, 2016: 368).

تحلیل گفتمان یک روش کیفی تحلیل است که معانی تولید شده توسط استفاده و ارتباطات زبان، زمینه‌ها و فرآیندهای این معانی و عملکردهای ناشی از این معانی را بررسی می‌کند. هدف تحلیل گفتمان درک و طبقه‌بندی فرآیندها، شبکه‌ها و شیوه‌های مختلف معناسازی از داده‌ها است. تحلیل گفتمان به عنوان یک روش تحلیلی شامل نقاط شروع مختلف و کاربردهای خاص رشته است. برخی از تغییرات، به عنوان مثال، تجزیه و تحلیل منسجم و دقیق از زبان، گفتگو و تعامل تأکید دارند. گونه‌های دیگر بر بینامتنی بودن معانی و رابطه ژانرها و گفتمان‌ها در یک موقعیت تعاملی یا در یک موقعیت یا فرآیند تاریخی و اجتماعی گسترده‌تر تأکید می‌کنند. یک تحلیل گفتمان معمولی، تحلیل استفاده از زبان در سطح خرد و تحلیل موقعیت‌ها در سطح کلان را ترکیب می‌کند. تحلیل گفتمان که بر تولید، تغییر و مذاکره معانی از منظر قدرت و توانمندسازی متمرکز است، تحلیل گفتمان انتقادی است. صرف نظر از جهت‌گیری تحلیل گفتمان، نتیجه‌گیری محقق از تحقیق همیشه مبتنی بر تحلیل دقیق داده‌ها است. محقق می‌تواند انواع مختلفی از پدیده‌ها را با تحلیل گفتمان تحلیل کند: متون، متون رسانه‌ای، تصاویر، فیلم‌ها، محیط‌ها، شیوه‌ها یا ترکیبی از آنها. عوامل مشترکی که جهت‌گیری‌ها و انواع روش را متحد می‌کند، مبانی فلسفی مشترک آنهاست: ساخت‌گرایی اجتماعی و زبان‌شناسی (Van Dijk, 2001: 368).

به گفته ون دایک (Van Dijk, 2006: 252) تحلیل گفتمان انتقادی در درجه اول به تلاش برای درک مسائل اجتماعی مهم علاقه‌مند است و انگیزه آن را دارد. ووداک و مایر (Wodak and Mayer, 2009: 7) استدلال می‌کنند که تحلیل گفتمان انتقادی بر نیاز به کار میان رشته‌ای به منظور دستیابی به درک مناسبی از نحوه عملکرد زبان در تشکیل و انتقال دانش در سازماندهی نهادهای اجتماعی تأکید می‌کند.

کند. راجرز و همکاران (Rogers et al, 2005: 368) بیان می‌کنند که نظریه‌های انتقادی عموماً به مسائل قدرت و عدالت و راه‌هایی که اقتصاد، نژاد، طبقه، جنسیت، مذهب، تحصیلات و گرایش جنسی می‌سازند، بازتولید می‌کنند یا سیستم‌های اجتماعی را تغییر می‌دهند، سروکار دارند. سوژه‌های انسانی از متون برای معنا بخشیدن به دنیای خود و ساختن کنش‌ها و روابط اجتماعی در کار زندگی روزمره استفاده می‌کنند و در عین حال، متون، جایگاه افراد را می‌سازند و معانی، ایده‌ها و نسخه‌های مختلفی از جهان را در دسترس قرار می‌دهند. تحلیل شامل تحلیل متون، تعاملات و عملکردهای اجتماعی در سطوح محلی، نهادی و اجتماعی است. تحلیل گفتمان انتقادی به تحلیل بلندمدت علل و پیامدهای اساسی مسائل می‌پردازد. بنابراین، نیاز به گزارشی از روابط دقیق بین متن، گفتار، جامعه و فرهنگ دارد (Lucke 1996: 12).

به گفته لاک (Locke, 2004: 1)، هدف تحلیل گفتمان انتقادی بررسی سیستماتیک روابط اغلب مبهم تصادفی و تعیین بین عملکردهای گفتمانی، رویدادها و متون، و ساختارها، روابط و فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی گسترده تر است، برای بررسی این که چگونه چنین اعمال، رویدادها و متون از روابط قدرت و مبارزات بر سر قدرت ناشی می‌شوند و از نظر ایدئولوژیک توسط آنها شکل می‌گیرند. هدف آن آشکار کردن انگیزه و سیاست های دخیل در بحث له یا علیه یک روش تحقیق، بیانیه یا ارزش خاص است. لوک (Lucke, 1996: 13) بیان می‌کند که از آنجایی که متون لحظات بین‌الذهانی، یعنی روابط اجتماعی و گفتمانی بین موضوعات انسانی هستند، نویسندگان و خوانندگان، گویندگان و شنوندگان را درگیر می‌کنند، افرادی که مقاصدشان نه بدیهی است و نه قابل‌بازیابی. بدون توسل به متن دیگری تحلیل گفتمان انتقادی ابزاری است برای کمک به اعضای یک حرفه برای درک پیام‌هایی که به خود و دیگران می‌فرستند و معانی متون گفتاری و نوشتاری دیگران را درک کنند. سخنان صاحبان قدرت به عنوان «حقیقت بدیهی» در نظر گرفته می‌شود و سخنان کسانی که در قدرت نیستند به عنوان نامربوط، نامناسب یا بی‌محتوا رد می‌شوند (McGregor, 2010:2).

هدف تحلیل گفتمان انتقادی، کشف مفروضات ایدئولوژیکی است که در دنیای متن نوشتاری یا گفتار شفاهی ما به منظور مقاومت پنهان شده‌اند و ما با استفاده از آنها به طور ناخودآگاه در حال اعمال قدرت هستیم. هدف تحلیل گفتمان انتقادی بررسی سیستماتیک روابط اغلب مبهم بین شیوه‌های گفتمانی، متون، و رویدادها و ساختارها، روابط و فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی گسترده‌تر است. مک‌گرگور استدلال می‌کند که تحلیل گفتمان انتقادی تلاش می‌کند تا رابطه بین سه سطح تحلیل را به هم-پیوسته و تعیین کند، یعنی: متن واقعی، شیوه‌های گفتمانی و زمینه اجتماعی بزرگتر

که بر متن و شیوه های گفتمانی تأثیر می گذارد (McGregor 2010: 3-4). تحلیل گفتمان انتقادی دارای اشکال مختلفی به شرح زیر است:

الف) تجزیه و تحلیل موضوعی^۱

تحلیل موضوعی در مورد تلاش برای شناسایی مقوله^۲ ها یا مضامین^۳ معنادار در مجموعه ای از داده ها است (Fulcher 2010:5). هویت و کرامر بیان می کنند که در تحلیل موضوعی، وظیفه محقق شناسایی تعداد محدودی از مضامین است که به اندازه کافی داده های متنی آنها را منعکس می کند (Howitt and Cramer, 2010:211). تحلیل موضوعی روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای (موضوعات) درون داده ها است. مضمون مجموعه ای از مقوله های مرتبط است که معانی مشابهی را منتقل می کند و معمولاً از طریق فرآیند تحلیلی استقرایی که پارادایم کیفی را مشخص می کند، پدیدار می شود. با نگاه کردن به یک متن، محقق می پرسد که آیا می توان تعدادی از موضوعات تکرار شونده را در مورد آنچه گفته می شود انتزاع کرد، به عنوان مثال، ثبات یا سرزنش. آشنایی با داده ها، کلید تحلیل موضوعی است. پس از آشنایی، محقق می تواند داده های خود را کدگذاری کند (Braun & Clarke 2006:79).

ب) تجزیه و تحلیل متن چاپی

به گفته لاک، متون را می توان به روش های زیر تحلیل کرد:

- عروض^۴: تحلیل گفتمان انتقادی اجازه می دهد تا باینری^۵ ها (دوتایی ها) آشکار شوند و به چالش کشیده شوند.
- سیگنال های زمینه سازی^۶: تقویت قدرت با نوعی تکرار.
- پیوستگی^۷ (انسجام): به هم پیوستن یک متن به یک کل معنادار. این وسایل عبارتند از حروف ربط، ضمائر، مصداق، انداختن کلمات^۸، قید و کلمات و عبارات تکراری. حروف ربط برای ایجاد روابط یا هماهنگی یا تبعیت به کار می رود.

-
- 1- Thematic Analysis
 - 2- Category
 - 3- Themes
 - 4- Prosody
 - 5- Binary
 - 6- Contextualisation Signals
 - 7- Cohesion
 - 8- Ellipsis

□ سازماندهی گفتمان^۱: روشهایی که جملات در واحدهای بزرگتر و با سازماندهی خود پاراگرافها منسجم می شوند.

سازماندهی موضوعی^۲: موتیف‌هایی^۳ (موضوعاتی) که زیربنای ساختار گفتمانی سرمقاله و ارتقای جایگاه آن است.

در این پژوهش متن با نگاهی به نوع متن، محتوا، تنظیمات، شخصیت‌ها، طرح، پیام و دیدگاه محقق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (Locke, 2004: 1).

ج) تجزیه و تحلیل متن شفاهی

به گفته لاک، تحلیل متون شفاهی شامل نیاز به تشخیص ویژگی‌های عروضی (تغییر در زیر و بم، بلندی صدا، سرعت، تاکید و ریتم) است. ویژگی‌های شبه زبانی (مکث، وقفه، شروع مجدد، قهقهه، خندیدن)؛ سیگنال‌های جنبشی (حرکات دست، تکان دادن سر، حالات چهره و تغییر در نگاه) (Locke, 2004: 1). در تحلیل شفاهی، مانند اکثر ارتباطات، طرفین از دو هنجار اساسی همکاری و انسجام پیروی می کنند (Barnett, 2006: 110). اوکوت موافق است که برای درک و تفسیر صحیح معانی متن، باید آن را در چارچوب یک جامعه خاص و شرایطی که متن تحت آن ارائه می شود قرار دهیم (Okot, 2007: 4). از نظر سرنخ‌های فرازبانی مانند زبان بدن، حالات چهره یا پروکسمیک (فضای شخصی)، گوینده منابع بیشتری برای انتقال معنا دارد (Brenes, 2005: 5). هدف تجزیه و تحلیل، کشف راه‌هایی است که گفتار-کنش‌های خاص برای قرار دادن اعضای یک مکالمه به کار می‌آیند و به نوبه خود چگونه این موقعیت‌ها برای ایجاد خطوط داستانی مختلف کار می‌کنند.

۱-۲- مراحل انجام تحلیل مضمون

همانطور که ذکر شد، تحلیل مضمون یکی از اشکال تحلیل گفتمان انتقادی است. تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، سازماندهی، و ارائه بینش در مورد الگوهای معنا (مضامین یا موضوعات) در یک مجموعه داده است. تم یا مضمون اطلاعات مهم و اساسی درباره داده‌ها و سوال‌های پژوهش را نشان می‌دهد تا حدودی معنا و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (Braun & Clarke, 2006: 87). به عبارتی دیگر مضمون یا تم الگویی است که در داده‌ها پیدا می‌شود و حداقل به شرح و سازماندهی مشاهدات و حداقل به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده‌ها می‌پردازد (Boyatzis, 1998: 4).

1- Discourse Organisation

2- Thematic organisation

3- Motifs

از طریق تمرکز بر معنا در یک مجموعه داده، تحلیل مضمون به محقق اجازه می‌دهد تا معانی و تجربیات جمعی یا مشترک را ببیند و معنا کند. شناسایی معانی و تجربیات منحصر به فرد و خاص که فقط در یک آیتم داده یافت می‌شود، تمرکز تحلیل مضمون نیست. بنابراین، این روش راهی برای شناسایی آنچه در نحوه صحبت یا نوشتن درباره یک موضوع مشترک است و درک آن مشترکات است. با این حال، آنچه مشترک است لزوماً به خودی خود معنادار یا مهم نیست. الگوهای معنایی که تحلیل مضمون به محقق اجازه می‌دهد شناسایی کند، در رابطه با موضوع خاص و سؤال تحقیقی که مورد بررسی قرار می‌گیرد، مهم هستند. تجزیه و تحلیل پاسخ یک سؤال را تولید می‌کند، حتی اگر مانند برخی از تحقیقات کیفی، سؤال خاصی که پاسخ داده می‌شود فقط از طریق تجزیه و تحلیل آشکار شود. الگوهای متعددی وجود دارد که می‌توان آنها را در هر مجموعه داده شناسایی کرد؛ هدف از تجزیه و تحلیل شناسایی موارد مرتبط با پاسخ به یک سؤال تحقیق خاص است. تحلیل موضوعی روشی منعطف است که به محقق اجازه می‌دهد تا به روش‌های مختلف بر روی داده‌ها تمرکز کند. با تحلیل مضمون می‌توان به طور قانونی روی تجزیه و تحلیل معنا در کل مجموعه داده تمرکز کرد، یا می‌توان یک جنبه خاص از یک پدیده را به طور عمیق بررسی کرد. محقق می‌تواند معانی آشکار یا معنایی را در داده‌ها گزارش دهد، یا می‌تواند معانی نهفته، مفروضات و ایده‌هایی را که در پس آنچه به صراحت بیان شده است مورد ارزیابی قرار دهد (Braun & Clarke, 2006: 82). اشکال مختلفی که تحلیل موضوعی می‌تواند داشته باشد به این معنی است که با طیف گسترده‌ای از سؤالات تحقیق و موضوعات تحقیق مطابقت دارد. شش مرحله در رویکرد ما به تحلیل مضمون در این پژوهش مشخص شده و نشان داده شده است.

مرحله ۱: آشنایی با داده‌ها

این مرحله که در همه اشکال تحلیل کیفی رایج است، شامل غوطه‌ور شدن در داده‌ها با خواندن و بازخوانی داده‌های متنی (مانند متن مصاحبه‌ها، پاسخ به نظرسنجی‌های کیفی) و گوش دادن به صداهای ضبط شده یا تماشای داده‌های ویدیویی است. هدف این مرحله این است که با محتوای مجموعه داده خود از نزدیک آشنا شویم و متوجه مواردی شویم که ممکن است به سؤال تحقیق ما مرتبط باشد. محقق باید کل مجموعه داده خود را حداقل یک بار - اگر نه دو بار، یا بیشتر - بخواند تا زمانی که احساس کند محتوای داده را از نزدیک می‌داند. روی کل مجموعه داده و همچنین رونوشت‌های فردی یادداشت برداری کند. یادداشت برداری در این مرحله به جای سیستماتیک و فراگیر، مشاهده‌ای و اتفاقی است. در این مرحله محقق هنوز داده‌ها را کدگذاری نمی‌کند (Braun & Clarke, 2012: 5-6).

فاز ۲: تولید کدهای اولیه

فاز ۲ تجزیه و تحلیل سیستماتیک داده ها را باید از طریق کدگذاری آغاز کرد. کدها بلوک های سازنده تجزیه و تحلیل هستند: کدها برجستگی برای ویژگی داده‌هایی که به طور بالقوه مرتبط با سؤال تحقیق است را ارائه می‌کنند. کدگذاری می‌تواند در سطح معنایی یا نهفته معنا انجام شود. کدها می‌توانند خلاصه‌ای از بخشی از داده‌ها را ارائه دهند، یا محتوای داده‌ها را توصیف کنند - این کدهای توصیفی یا معنایی معمولاً به محتوای داده‌ها، به معنای شرکت‌کنندگان بسیار نزدیک می‌مانند. کدها همچنین می‌توانند از معنای شرکت‌کنندگان فراتر رفته و تفسیری درباره محتوای داده‌ها ارائه دهند. چنین کدهای تفسیری یا نهفته ای معنای را مشخص می‌کنند که در زیر سطح معنایی داده ها قرار دارند. کدها تقریباً همیشه ترکیبی از توصیفی و تفسیری خواهند بود. این مرحله از فرآیند زمانی به پایان می‌رسد که داده های محقق به طور کامل کدگذاری شوند و داده های مربوط به هر کد جمع آوری شوند. بسته به موضوع، مجموعه داده ها و دقت در کدنویسی، محقق هر تعداد کدی را ایجاد خواهد کرد؛ حداکثری وجود ندارد. آنچه محقق می‌خواهد کدهای کافی برای ثبت تنوع و الگوهای درون داده ها است و کدها باید در بیش از یک مورد داده ظاهر شوند (Braun & Clarke, 2012: 6-7).

فاز ۳: جستجوی مضامین

در این مرحله، با تغییر از کدها به تم ها، تحلیل محقق شروع به شکل گیری می‌کند. یک موضوع یا مضمون «چیز مهمی را در مورد داده ها در رابطه با سوال تحقیق به تصویر می‌کشد و سطحی از پاسخ یا معنای الگو را در مجموعه داده ها نشان می‌دهد» (Braun & Clarke, 2006: 82). جستجوی مضامین یک فرآیند فعال است، به این معنی که ما به جای کشف آنها، مضامین تولید می‌کنیم یا می‌سازیم. ما این مرحله را «جستجوی مضامین» می‌نامیم.

این مرحله شامل بازبینی داده‌های کدگذاری شده برای شناسایی زمینه‌های مشابه و همپوشانی بین کدها است: هر موضوع یا موضوع گسترده‌ای را شناسایی کنید که در اطراف کدها خوشه‌بندی می‌شوند؟ فرآیند اصلی تولید مضامین و مضامین فرعی، که اجزای فرعی یک موضوع هستند، شامل در هم ریختن یا خوشه‌بندی کدهایی است که به نظر می‌رسد برخی ویژگی‌های متحدکننده را با هم به اشتراک می‌گذارند، به طوری که یک الگوی منسجم و معنادار را در داده‌ها منعکس و توصیف می‌کنند.

یکی دیگر از عناصر مهم این مرحله، شروع به بررسی رابطه بین مضامین، و در نظر گرفتن اینکه چگونه مضامین با هم در گفتن یک داستان کلی در مورد داده ها کار می‌کنند، است. مضامین خوب متمایز و تا حدی مستقل هستند، اما همچنین باید به طور

کلی با هم کار کنند. به مضامین مانند قطعات یک پازل باید فکر کرد: آنها با هم تصویری معنادار و واضح از داده‌های ما ارائه می‌دهند. در تحلیل ما، یک مضمون یا مفهوم مرکزی ممکن است همه یا بیشتر مضامین دیگر ما را گرد هم بیاورد یا زیربنای آن باشد. در طول این مرحله، داشتن یک موضوع «متفرقه» که شامل همه کدهایی است که به وضوح در جایی قرار نمی‌گیرند، که ممکن است به عنوان بخشی از تم‌های جدید به پایان برسد یا دور ریخته شوند، می‌تواند مفید باشد. این که بتوان مطالب کدگذاری شده و در واقع مضامین موقتی را رها کرد، در صورتی که با تحلیل کلی ما مطابقت نداشته باشند، بخش مهمی از تحلیل کیفی است. این مرحله را باید با یک نقشه موضوعی یا جدولی که مضامین نامزد خود را مشخص می‌کند به پایان رساند، و باید تمام داده‌های مربوط به هر موضوع را جمع‌آوری کرد (Braun & Clarke, 2012: 8-9).

مرحله ۴: بررسی موضوعات احتمالی

این مرحله شامل یک فرآیند بازگشتی است که در آن مضامین در حال توسعه در رابطه با داده‌های کدگذاری شده و کل مجموعه داده بررسی می‌شوند. اساساً در مورد بررسی کیفیت، به ویژه برای محققان تازه کار و برای کار با مجموعه داده‌های بسیار بزرگ، که در آن امکان «نگه داشتن» کل مجموعه داده در ذهن ما وجود ندارد، بسیار مهم است. اولین گام این است که مضامین خود را در برابر عصاره‌های گردآوری شده از داده‌ها بررسی کنیم و بررسی کنیم که آیا موضوع در رابطه با داده‌ها کار می‌کند. اگر اینطور نیست، ممکن است لازم باشد برخی از کدها را دور بیندازیم یا آنها را تحت موضوع دیگری جابجا کنیم. همچنین می‌توانیم مرزهای موضوع را دوباره ترسیم کنید، به طوری که داده‌های مربوطه را به‌طور معنی‌داری دریافت کند. اگر این ترفندها کار نمی‌کنند، ممکن است لازم باشد موضوع خود را به طور کلی کنار بگذاریم و دوباره شروع کنیم؛ نباید تحلیل خود را به انسجام «مجبور» کنیم.

هنگامی که مجموعه‌ای متمایز و منسجم از مضامین را داریم که در رابطه با استخراج داده‌های کدگذاری شده کار می‌کنند، باید مرحله دوم را در فرآیند بررسی انجام دهیم؛ بررسی مضامین در رابطه با کل مجموعه داده. این کار شامل یک بازخوانی نهایی تمام داده‌های شما می‌شود تا مشخص شود آیا مضامین ما به طور معناداری کل مجموعه داده یا جنبه‌ای از آن را به تصویر می‌کشند. هدف ما مجموعه‌ای از موضوعات است که مهم‌ترین و مرتبط‌ترین عناصر داده‌ها و لحن کلی داده‌ها را در رابطه با سؤال تحقیق ما نشان می‌دهد. اگر نقشه موضوعی/مجموعه مضامین ما این را فراهم کند، خوب است و می‌توان به مرحله بعدی رفت (Braun & Clarke, 2012: 9-10).

فاز ۵: تعریف و نامگذاری مضامین

در تعریف مضامین خود، باید بتوانیم به وضوح بیان کنیم که چه چیزی منحصر به فرد و خاص در مورد هر موضوع است: اینکه آیا می‌توانیم ماهیت هر موضوع را در چند جمله خلاصه کنیم، آزمون خوبی برای این موضوع است. یک تحلیل موضوعی خوب دارای مضامینی خواهد بود که: (۱) سعی نکنیم بیش از حد انجام دهیم، زیرا مضامین در حالت ایده‌آل باید تمرکز منحصر به فردی داشته باشند. (۲) مرتبط هستند، اما همپوشانی ندارند، بنابراین تکراری نیستند، اگرچه ممکن است بر اساس مضامین قبلی ساخته شوند. و (۳) مستقیماً به سؤال تحقیق خود بپردازیم. هر موضوع مشخص شده دارای تمرکز، دامنه و هدف مشخص است. هر کدام به نوبه خود بر روی موضوع(های) قبلی ساخته و توسعه می‌دهند. و مضامین با هم یک داستان کلی منسجم در مورد داده‌ها ارائه می‌دهند. در برخی موارد، ممکن است بخواهیم موضوعات فرعی در یک موضوع داشته باشید. اینها در مواردی مفید هستند که یک یا دو الگوی فراگیر در داده‌ها در رابطه با سؤال ما وجود داشته باشد، اما هر کدام به روش‌های مختلفی اجرا می‌شوند. این مرحله شامل کار تحلیلی عمیق درگیر در تجزیه و تحلیل موضوعی، شکل‌دهی حیاتی تحلیل به جزئیات دقیق آن است. از آنجایی که تحلیل در حال حاضر لزوماً شامل نوشتن است، جداسازی بین فاز ۵ و ۶ اغلب کمی مبهم است. این مرحله شامل انتخاب استنتاج‌ها برای ارائه/تحلیل و سپس تنظیم «داستان» هر موضوع با یا پیرامون آن است. چه چیزی باعث می‌شود که داده‌های خوب نقل قول و تجزیه و تحلیل شوند؟ در حالت ایده‌آل، هر مضمون استنتاج شده یک مثال واضح و قانع‌کننده ارائه می‌کند که به وضوح نکات تحلیلی ما را نشان می‌دهد. مضامین استنتاجی که برای نقل قول و تجزیه و تحلیل انتخاب می‌کنیم، ساختار تحلیل را فراهم می‌کند؛ روایت داده‌ها خواننده را از تفسیر ما از داده‌ها و معنای آنها آگاه می‌کند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آن برای بیان داستانی از داده‌ها استفاده می‌کنیم. داده‌ها «برای خودشان» صحبت نمی‌کنند؛ ما نباید به سادگی محتوای داده‌ها را بازنویسی کنیم. روایت تحلیلی ما باید به خواننده بگوید که استنتاج چه چیزی جالب است و چرا. جنبه دیگر این مرحله این است که هر موضوع را چه نامی بگذاریم. نامگذاری ممکن است بی‌اهمیت به نظر برسد، اما این عنوان کوتاه می‌تواند و باید نشانه‌های زیادی باشد. یک نام خوب برای یک موضوع آموزنده، مختصر و جذاب است (Braun & Clarke, 2012: 10-11).

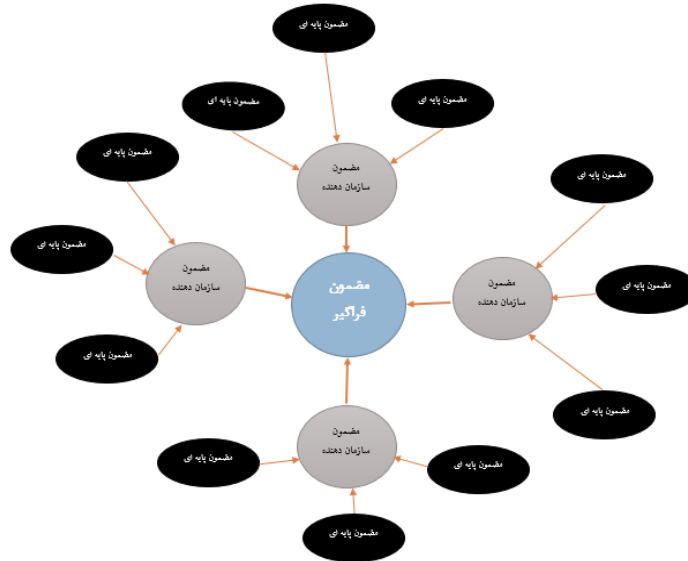
فاز ششم: تهیه گزارش

در حالی که مرحله نهایی تجزیه و تحلیل، تولید گزارشی مانند مقاله ژورنالی یا پایان‌نامه است، مرحله‌ای نیست که فقط در پایان شروع شود. برخلاف تحقیقات کمی، ما تجزیه و تحلیل خود را از داده‌ها کامل نمی‌کنیم و سپس آن را نمی‌نویسیم.

نوشتن و تحلیل کاملاً در تحقیقات کیفی - از نوشتن غیررسمی یادداشت‌ها و یادداشت‌ها گرفته تا فرآیندهای رسمی‌تر تحلیل و گزارش‌نویسی در هم تنیده شده‌اند. هدف گزارش ما ارائه یک «داستان» قانع‌کننده در مورد داده‌های ما، بر اساس تجزیه و تحلیل ما است. داستان باید قانع‌کننده و واضح و در عین حال پیچیده و در یک زمینه علمی گنجانده شده باشد. حتی برای تحلیل مضمون توصیفی، برای ارائه استدلالی که به سؤال تحقیق ما پاسخ می‌دهد، باید فراتر از توصیف باشد. ترتیبی که در آن مضامین خود را ارائه می‌کنیم مهم است: مضامین باید به طور منطقی و معنادار به هم متصل شوند، و در صورت مرتبط بودن، بر اساس مضامین قبلی ساخته شوند تا داستانی منسجم در مورد داده‌ها بیان کنند-11 (Braun & Clarke, 2012: 12).

۳- ابزار و روش‌های تحلیلی در تحلیل مضمون

تحلیل مضمون طیف بزرگی از روش‌ها و فنون را شامل می‌شود. در این روش باتوجه به سوالات پژوهش و اهداف آن می‌توان از یک روش تحلیلی مناسب برای آن پژوهش استفاده کرد. در این پژوهش از روش تحلیلی شبکه مضامین استفاده شده است. در روش شبکه مضامین آنچه مضامین عرضه می‌کنند نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را سازماندهی می‌کند؛ سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما رسم و مضامین برجسته‌تر هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. در این روش، شبکه مضامین به صورت گرافیکی و شبیه گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شوند تا تصور وجود هر گونه سلسله مراتب در میان آنها از بین برود؛ باعث شناوری مضامین شود و بر وابستگی و ارتباط متقابل بین شبکه تأکید شود. با این حال لازم است توجه شود که این شبکه‌ها صرفاً ابزار تحلیلی هستند و نه خود تحلیل. وقتی یک شبکه مضمونی ساخته شد می‌توان از آن به مثابه ابزاری تصویری برای تفسیر متن استفاده کرد تا نتایج حاصل از متن و خود متن برای محقق و خوانندگان تحقیق روشن و فهمیدنی شود. برای ترسیم روابط میان مضامین می‌توان از مضامین رابطه‌ای نیز استفاده کرد. نکته مهم و جالب در شبکه مضامین این است که با توجه به پیچیدگی داده‌ها و هدف تحلیل ممکن است از مجموعه متون، چند مضمون فراگیر استخراج شود؛ با این حال تعداد مضامین فراگیر از مضامین پایه و سازمان دهنده کمتر خواهد بود. هر مضمون فراگیر، هسته و کانون شبکه‌ای مضمونی را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین ممکن است تحلیل به چند شبکه مضامین منجر شود (جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۰).



شکل (۱): ساختار یک شبکه مضمونی

۳-۱- سنجش روایی تحقیق

جهت سنجش پایایی و روایی این پژوهش، از روش‌های سنجش روایی مرسوم در تحقیقات کیفی استفاده شده است. به این معنی که افزون بر اینکه مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه با مطالعه نظریات موجود در این حوزه، سایر تحقیقات انجام شده در این زمینه، اهداف پژوهش و منابع موجود، انتخاب و تایید شدند، نظرات و راهنمایی‌های گروهی از کارشناسان این حوزه نیز اعمال شده و پیش از کدگذاری، اصلاح و تعدیل نهایی انجام گرفت. در نهایت نیز روایی پژوهش به تایید چند نفر از کارشناسان و اساتید راهنما و مشاور رسید.

۳-۲- حجم و روش نمونه گیری

در تحلیل گفتمان، رسیدن به آنچه اشباع داده نامیده می‌شود، مهم است. این به زمانی اشاره دارد که محقق موضوع خود را بررسی کرده و داده‌های خود را تا جایی تجزیه و تحلیل کرده که هیچ اطلاعات جدیدی پیدا نمی‌شود. محقق برای رسیدن به این هدف، باید چندین بار از طریق مجموعه داده‌های خود کار کند و هر بار عمق و بینش بیشتری ایجاد کند. این امر می‌تواند بسیار وقت گیر و حتی گاهی اوقات کمی خسته کننده باشد، اما ضروری است. هنگامی که محقق به نقطه اشباع رسید، باید یک تحلیل تقریباً کامل داشته باشد و آماده حرکت به مرحله بعدی - بررسی نهایی است (Crosley, 2021). در این پژوهش متن مکتوب ۱۵ سخنرانی از مقام معظم رهبری در خصوص مسائل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی انتخاب شده و استنتاج مضامین و کدهای متن تا رسیدن به مرحله تکرارپذیری و اشباع ادامه یافته است؛ تا جایی که

مضمون جدیدی در خصوص اقتصاد مقاومتی در متن این سخنرانی‌ها یافت نشده و مضامین همه تکرار شونده بوده‌اند.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش به روش تحلیل مضمون و با ابزار تحلیلی شبکه مضامین انجام گرفته است. در این مرحله متون سخنرانی‌های مختلف مقام معظم رهبری که ۱۵ سخنرانی بوده‌اند به دقت مطالعه شده و آشنایی اولیه پژوهشگر با متن تحلیل صورت گرفته است. سپس این متون در قالب کدهایی که مضامین پایه‌ای نامیده می‌شوند سازماندهی شده‌اند. هر یک از این نقل قول‌ها حاوی مضمونی است که با خواندن آن نقل قول مستقیماً به ذهن متبادر می‌شود. این مضامین که از متن اصلی پژوهش استخراج گردیده‌اند، «مضامین پایه‌ای» نامیده می‌شوند که در جدول زیر ذکر شده‌اند.

جدول (۱): مضامین پایه‌ای

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۱	جهش تولید اهمیت دارد چون اگر واقعاً تولید را بتوانید جهش دهید، همه‌ی شاخصهای اقتصادی مهم کشور تغییر پیدا میکند، تحول پیدا میکند؛ تولید این جوری است. ۱۰/۱۱/۱۴۰۰	جهش تولید
۲	تحریم یک خیانت است، یک جنایت در حق ملت ایران است که باید برداشته بشود. ۱۹/۱۰/۱۳۹۹	رفع تحریم
۳	علاج تحریم فقط و فقط تکیه بر توانایی‌های ملی است. ۱۰/۰۵/۱۳۹۹	تکیه بر توان ملی
۴	در اقتصاد مقاومتی، درون‌زایی هست، جزو سیاستهای اقتصاد مقاومتی و خصوصیات اقتصاد مقاومتی، درون‌زایی است؛ درون‌زایی یعنی تولید ثروت به وسیله‌ی فعالیت درونی کشور انجام بگیرد؛	درون‌زایی

ردیف	نقل قول	مضمون پایه ای
	چشم به بیرون نباشد، نگاهمان به بیرون نباشد. ۱۰/۰۵/۱۳۹۹	
۵	در اقتصاد مقاومتی، برون‌گرایی هم هست. معنای اقتصاد مقاومتی، محصور شدن و زندانی شدن در داخل کشور نیست؛ در اقتصاد مقاومتی ارتباط با دنیا وجود دارد. ۲۹/۱۱/۱۳۹۶	برون‌گرایی
۶	دور زدن تحریم یک تاکتیک است، مصون‌سازی کشور در مقابل تحریم، یک راهبرد است، باید این کار را کرد، باید کاری کرد که ما در مقابل تحریم آسیب‌پذیر نباشیم. ۲۸/۰۸/۱۳۹۸	مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تحریم
۷	گاهی برای فعالیت یک واحد تولیدی باید نه از ۷ خوان بلکه از ۷۰ خوان عبور کرد که مسئولان باید این مشکل جدی و مقررات زائد و موانع تولید را رفع کنند. ۳۰/۰۵/۱۳۹۸	رفع موانع تولید
۸	یکی از بخشهای مهم و بندهای مهم اقتصاد مقاومتی که ما مطرح کردیم همین مسئله‌ی تولید داخلی است؛ و شرط رونق تولید داخلی، کنترل واردات بی‌رویه است. ۰۱/۰۱/۱۳۹۸.	تولید داخلی
۹	جنس خارجی که مشابه داخلی آن تولید می‌شود، خرید آن تولید داخل باید در اولویت مردم و مسئولین باشد. شما وقتی که جنس داخلی مصرف میکنید، ثروت ملی را افزایش داده‌اید. ۰۱/۰۱/۱۳۹۳	ترجیح تولیدات داخلی بر خارجی
۱۰	نگاه به نخبگان، در این جهت هم مورد اهتمام قرار میگیرد و نکته‌ی اساسی‌ای است؛ تأثیر [نخبگان] در برنامه‌ریزی برای مسائل کشور. ۲۵/۰۷/۱۳۹۷	نگاه به نخبگان
۱۱	ما اقتصادمان اقتصاد نفتی است، اقتصاد منبع‌محور است - یعنی همین‌طور سرمایه را بفروش و بخور؛	اقتصاد بدون نفت

ردیف	نقل قول	مضمون پایه ای
	این باید تغییر پیدا بکند؛ باید مبتنی بشود بر ارزش افزوده. ۲۶/۰۷/۱۳۹۶	
۱۲	خلأهای اقتصادی ما خلأهای بزرگی است. یکی مسئله بیکاری است؛ بخصوص بیکاری جوانان و بخصوص بیکاری جوانان تحصیل کرده. این یک خلأ است، یک حفره است. این را باید تأمین کرد. ۰۱/۰۱/۱۳۹۶	اشتغال
۱۳	مسئله معیشت طبقات ضعیف [مهم است]؛ ما اطلاعات را دائماً دنبال میکنیم و از وضع مردم در بخشهای مختلف کشور مطلع میشویم؛ مردم از لحاظ معیشت دچار مشکلند. مسئله بیکاری هست، مسئله سختی معیشت هست. ۰۱/۰۱/۱۳۹۶	توجه به معیشت طبقات ضعیف
۱۴	اگر چنانچه بسیج وارد اقتصاد بشود، اقتصاد میشود مردم سالار؛ همین که آقایان اینجا الان اظهار کردند و کاملاً درست است. این اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، اگر بتواند از قوت و قدرت بسیج استفاده کند، میشود اقتصاد مقاومتی مردم سالار. ۰۳/۰۹/۱۳۹۵	اقتصاد مردم سالار
۱۵	استقلال اقتصادی تنها با اقتصاد مقاومتی به دست می آید. ۱۴/۰۳/۱۳۹۵	استقلال اقتصادی
۱۶	تحقق بخشیدن به اقتصاد مقاوم با همه الزامات قطعی آن و نیز تلاش مجدانه برای گسترش و ژرف سازی فرهنگ اسلامی، دو اولویت فوری کنونی است. ۰۸/۰۳/۱۳۹۵	فرهنگ اسلامی
۱۷	یک مسئله هم مسئله نقش آفرینی در اقتصاد مقاومتی است که اقتصاد دانش بنیان پایه آن است. ۲۰/۰۸/۱۳۹۴	اقتصاد دانش بنیان

ردیف	نقل قول	مضمون پایه ای
۱۸	در مورد اقتصاد، اعتقاد ما این است که پیشرفت اقتصاد کشور، باید همراه با عدالت باشد؛ ما اقتصاد منهای عدالت را قبول نداریم؛ یعنی انقلاب قبول ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی قبول ندارد. اقتصاد مقاومتی عدالت محور است. ۰۴/۰۶/۱۳۹۴	عدالت
۱۹	عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخصهای مهم در اقتصاد مقاومتی است. ۰۱/۰۱/۱۳۹۳	عدالت اقتصادی
۲۰	عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخصهای مهم در اقتصاد مقاومتی است. ۰۱/۰۱/۱۳۹۳	عدالت اجتماعی
۲۱	یکی از کارهایی که پیشنهاد کرده‌اند، به ما گفته‌اند و میگویند زمینه آماده است، عبارت است از سپردن برخی از طرحها به بخش خصوصی. البته برای بخش خصوصی مشوق درست [بشود]؛ چون الان پولهای سرگردان وجود دارد. ۰۴/۰۶/۱۳۹۴ سس	تقویت بخش خصوصی
۲۲	من همیشه به این فکر میکنم که ما باید جایگزین برای نفت پیدا کنیم. بنابراین اگر بخواهیم جایگزین پیدا کنیم، یکی از بهترین جایگزینها معادن است. آنوقت [در مورد] معادن هم بایستی از خام‌فروشی معادن شدت پرهیز کنیم. ۰۴/۰۶/۱۳۹۴	پرهیز از خام فروشی
۲۳	تکیه‌ی عمده‌ی اقتصاد مقاومتی هم باز روی مردم است. اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح میشود، مردم‌بنیاد است. ۲۹/۱۱/۱۳۹۳	مردمی سازی اقتصاد
۲۴	در اقتصاد مقاومتی تکیه بر استحکام بنیه‌ی درونی اقتصاد است. ۱۶/۰۴/۱۳۹۳	استحکام ساخت درونی

ردیف	نقل قول	مضمون پایه ای
۲۵	تحریم را با مجاهدت در باب اقتصاد مقاومتی بایستی خنثی کرد. ۱۶/۰۴/۱۳۹۳	خنثی سازی تحریمها
۲۶	اقتصاد مقاومتی یعنی ما اگر به نیروی داخلی، به ابتکار جوانها، به فعالیت ذهنها و بازوها در داخل، تکیه کنیم و اعتماد کنیم، از فخر و منت دشمنان خارجی، خودمان را رها خواهیم کرد؛ راه درست این است. ۲۳/۰۲/۱۳۹۳	عزت ملی
۲۷	ظرفیتهای اقتصادی باید فعال بشود؛ این راه پیشرفت کشور است. آن وقت کشور، هم از لحاظ مادی و اقتصادی، هم از لحاظ اعتبار بین المللی، هم از لحاظ عزت ملی و اعتماد به نفس ملت ایران، و هم از لحاظ معنوی و اخلاقی و روحی پیشرفت خواهد کرد. ۲۳/۰۲/۱۳۹۳	اعتماد به نفس ملی
۲۸	این سه عنصر اگر مورد توجه قرار گرفتند، یک ملت قوی میشود: یکی اقتصاد، یکی فرهنگ، و سومی علم و دانش. ۰۱/۰۱/۱۳۹۳	اقتدار ملی
۲۹	اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است؛ با تحریکات جهانی، با تکانهای جهانی، با سیاستهای آمریکا و غیر آمریکا زیرورو نمیشود. ۰۱/۰۱/۱۳۹۳	اقتصاد مقاوم
۳۰	عامل مهم مدیریت جهادی عبارت است از خودباوری و اعتماد به نفس و اعتماد به کمک الهی. ۱۰/۰۲/۱۳۹۳	مدیریت جهادی
۳۱	در همین جا با اصرار فراوان گفتیم، یک عده ای هم از مردم خوشبختانه عمل می کنند، اما همه باید عمل کنند و آن عبارت است از «مصرف تولیدات داخلی». ۰۱/۰۱/۱۳۹۳	فرهنگ سازی
۳۲	اگر اسراف در بین سطوح بالا نباشد، در بین مردم هم اسراف کم خواهد شد. ۰۱/۰۱/۱۳۹۳	پرهیز از اسراف

ردیف	نقل قول	مضمون پایه ای
۳۳	نکته‌ی چهارم [از مؤلفه‌های سیاستهای مقاومتی]، رویکرد جهادی است که در این سیاستها مورد ملاحظه قرار گرفته؛ همت جهادی، مدیریت جهادی. ۲۰/۱۲/۱۳۹۲	رویکرد جهادی
۳۳	مجموعه‌ی سیاستهای اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده‌ی از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است. ۲۰/۱۲/۱۳۹۲	الگوی بومی
۳۴	مسئله‌ی ششم [از مؤلفه‌های سیاستهای مقاومتی] امنیت اقلام راهبردی و اساسی است؛ در درجه‌ی اول غذا و دارو. ۲۰/۱۲/۱۳۹۲	امنیت کالای ضروری
۳۵	باید خودکفا باشیم، بایستی زمینه‌های کاملاً کفایت کننده مورد توجه قرار بگیرد. ۲۰/۱۲/۱۳۹۲	خودکفایی
۳۶	[از مؤلفه‌های سیاستهای مقاومتی]، مسئله‌ی اصلاح الگوی مصرف است؛ مسئله‌ی صرفه‌جویی، پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌گردهای زائد. ۲۰/۱۲/۱۳۹۲	اصلاح الگوی مصرف
۳۷	نکته‌ی نهم [از مؤلفه‌های سیاستهای مقاومتی]، فسادستیزی است. ۲۰/۱۲/۱۳۹۲	فسادستیزی
۳۸	مسئله‌ی منابع ارزی هم مسئله‌ی مهمی است؛ واقعاً باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. ۲/۶/۱۳۹۱	مدیریت منابع ارزی
۳۹	قابل انطباق با شرایط گوناگونی است که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان پیش بیاید؛ و عملاً اقتصاد کشور را به حالت انعطاف‌پذیری میرساند. ۲۰/۱۲/۱۳۹۲	انعطاف‌پذیری
۴۰	در اقتصاد مقاومتی با جهش تولید نرخ تورم کاهش پیدا میکند. ۱۰/۱۱/۱۴۰۰	کنترل تورم

ردیف	نقل قول	مضمون پایه ای
۴۱	ظرفیتهای صنعتی و معدنی، متنوع است و انبوه. مسئله‌ی راه هم همین‌جور، آمارهای راه هم آمارهای خوبی است. ظرفیت و مزیت جغرافیایی؛ دسترسی به آبهای آزاد، موقعیت چهارراهی شمال و جنوب و شرق و غرب که مسئله‌ی ترانزیت را - که مسئله‌ی بسیار مهمی است - برای ما توضیح میدهد. تنوع اقلیمی، ظرفیت انرژی‌های پاک [مثل] انرژی آب و خورشید، انرژی هسته‌ای. این ظرفیتهای در کشور وجود دارد. ۲۰/۱۲/۱۳۹۲	متنوع سازی اقتصاد
۴۲	باید فضای رقابتی به وجود بیاید، باید فضای با ثبات به وجود بیاید؛ فعال اقتصادی در این شرایط خواهد آمد و احساس امنیت خواهد کرد. ۲۰/۱۲/۱۳۹۲	فضای رقابتی
۴۳	توصیه‌ی مهم در زمینه‌ی اقتصاد مقاومتی، یکی توصیه‌ی به بانکها است: بانکها باید نقش ایفا کنند، باید خودشان را تطبیق بدهند با مواد سیاستهای اقتصاد مقاومتی و برنامه‌ریزی‌های دولت در این زمینه؛ و میتوانند نقش ایفا کنند، نقش مثبت؛ البته نقش منفی هم میتوانند. ۰۴/۰۶/۱۳۹۴	اصلاح نظام بانکی

پس از استنتاج و استخراج کدها و مضامین پایه‌ای، این مضامین در قالب مضامین سازمان دهنده ادغام شده و به ۹ مضمون سازمان دهنده در کل داده‌ها رسیده‌ایم. سپس این مضامین سازمان دهنده در قالب مضامین فراگیر ادغام و نامگذاری شده‌اند و سه مضمون فراگیر که ویژگی‌های کلی اقتصاد مقاومتی از دیده‌م مقام معظم رهبری هستند به ترتیب جدول زیر به دست آمده است:

جدول (۲): ویژگی‌های کلی اقتصاد مقاومتی از دیده مقام معظم رهبری

ردیف	مضمون پایه‌ای	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	برون‌گرایی	ارتباط با خارج	اقتصاد برون‌گرا
۲	خنثی‌سازی تحریم		
۳	رفع تحریمها		
۴	جهش تولید	اقتصاد تولیدی	اقتصاد درون‌زا
۵	تولید داخلی		
۶	رفع موانع تولید		
۷	اقتصاد مردم‌سالار	اقتصاد مردم-محور	
۸	مردمی‌سازی اقتصاد		
۹	تقویت بخش خصوصی		
۱۰	تکیه بر توان ملی	عدم وابستگی اقتصادی	
۱۱	درون‌زایی		
۱۲	مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تحریم		
۱۳	استقلال اقتصادی		
۱۴	استحکام ساخت درونی		
۱۵	اقتصاد مقاوم		
۱۶	امنیت کالای ضروری		
۱۷	خودکفایی		
۱۸	اقتدار ملی		

تحلیل مضمون‌کنشمان سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری

ردیف	مضمون پایه‌ای	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱۹	اعتماد به نفس ملی	قدرت اقتصادی	
۲۰	عزت ملی		
۲۱	پرهیز از اسراف	اصلاح فرهنگ اقتصادی	
۲۲	فرهنگ اسلامی		
۲۳	اصلاح الگوی مصرف		
۲۴	ترجیح تولیدات داخلی بر خارجی		
۲۵	رویکرد جهادی		
۲۶	فرهنگ سازی		
۲۷	نگاه به نخبگان	اقتصاد الگو	
۲۸	الگوی بومی		
۲۹	مدیریت جهادی		
۳۰	اقتصاد دانش بنیان	اقتصاد عدالت-محور	
۳۱	عدالت		
۳۲	توجه به معیشت طبقات ضعیف		
۳۳	عدالت اجتماعی		
۳۴	عدالت اقتصادی	الگوی پیشرفت بومی	
۳۵	فسادستیزی		
۳۶	کنترل تورم		
۳۷	اشتغال		

ردیف	مضمون پایه‌ای	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۳۸	فضای رقابتی	اصلاح ساختار اقتصادی	
۳۹	انعطاف‌پذیری		
۴۰	متنوع‌سازی اقتصاد		
۴۱	اصلاح نظام بانکی		
۴۲	پرهیز از خام‌فروشی		
۴۳	اقتصاد بدون نفت		
۴۴	مدیریت منابع ارزی		

۱-۴- کشف و توصیف شبکه مضامین

با بررسی و تحلیل مضامین مرتبط با «اقتصاد مقاومتی» به سه مضمون فراگیر رسیده‌ایم که در ادامه بحث به توضیح این سه مضمون خواهیم پرداخت:

الف) اقتصاد برون‌گرا

برون‌گرایی یکی از ویژگی‌های اصلی اقتصاد مقاومتی است که به صراحت در بیانات مقام معظم رهبری نیز بیان شده است. معنای اقتصاد مقاومتی، محصور شدن و زندانی شدن در داخل کشور نیست؛ نباید بگویند که «ما می‌خواهیم با دنیا ارتباط داشته باشیم!» خب، در اقتصاد مقاومتی ارتباط با دنیا وجود دارد؛ منتها گفته میشود که اعتماد بایستی به مردم باشد؛ اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا. جوشش حرکت اقتصادی از درون کشور است؛ استعدادهای مردم، امکانات مردم، سرمایه‌های مردم. تدبیری اندیشه بشود که این سرمایه‌ها، این استعدادها، این ظرفیتها به کار و تولید در داخل و ثروت‌سازی و ایجاد ثروت در داخل بینجامد؛ این تدبیر می‌خواهد. نگاهمان به خارج نباشد. البته اگر بخواهیم اقتصاد داخلی رونق پیدا کند باید صادرات خوب داشته باشیم، واردات به مورد داشته باشیم، ارتباطات اقتصادی داشته باشیم؛ در این تردیدی نیست. سرمایه‌گذاری خارجی‌ها در داخل باشد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹).

علاوه بر ارتباط با دنیا، خنثی سازی تحریم‌ها یا دور زدن تحریم و رفع تحریم های ظالمانه بین المللی نیز از ارکان مهم اقتصاد مقاومتی مد نظر مقام معظم رهبری است؛ همچنان که معظم له می فرماید: «رفع تحریمها هر چند از باب رفع ظلم و احقاق حقوق ملت ایران کار لازمی است، لیکن گشایش اقتصادی و بهبود معیشت و رفع معضلات کنونی جز با جدی گرفتن و پیگیری همه‌جانبه‌ی اقتصاد مقاومتی میسر نخواهد شد. امید است که مراقبت شود که این مقصود با جدیت تمام دنبال شود و بخصوص به تقویت تولید ملی توجه ویژه صورت گیرد و نیز مراقبت فرمایید که وضعیت پس از برداشته شدن تحریمها، به واردات بی‌رویه نینجامد، و بخصوص از وارد کردن هرگونه مواد مصرفی از آمریکا جداً پرهیز شود (نامه رهبر انقلاب به رئیس جمهور درباره الزامات اجرای برجام، ۱۳۹۴/۷/۲۹).

همانطور که ملاحظه می شود، مراد رهبری از اقتصاد برون‌گرا به هیچ وجه تکیه بر بیگانگان و قدرت‌های خارجی و واردات بی‌رویه کالا نیست؛ بلکه مراد ایجاد رابطه متوازن با دنیا و رفع تحریم های ظالمانه است که البته سرمایه گذاری خارجی و مرادات اقتصادی متوازن و سالم با دنیا نیز در آن پیش بینی شده است. از این رو می توان گفت برون گرایی اقتصادی که از ویژگی های اصلی اقتصاد مقاومتی است، به معنای ارتباط مفید و موثر با دنیا و رفع تحریمها است.

ب) اقتصاد درون‌زا

اقتصاد درون‌زا از دید مقام معظم رهبری، اقتصادی است تولید محور که بر پایه استقلال اقتصادی و عدم وابستگی به خارج است. همانچنانکه ایشان می فرمایند: «جزو سیاستهای اقتصاد مقاومتی و خصوصیات اقتصاد مقاومتی، درون‌زایی است؛ درون‌زایی یعنی تولید ثروت به‌وسیله‌ی فعالیت درونی کشور انجام بگیرد؛ چشم به بیرون نباشد، نگاهمان به بیرون نباشد. البته معنای درون‌زا بودن اقتصاد این نیست که درهای کشور را ببندیم؛ نه، ما گفته‌ایم اقتصاد مقاومتی درون‌زا و برون‌گرا است. من هیچ‌وقت نگفتم دور کشور حصار بکشیم، اما این درون‌زایی را فراموش نکنید؛ اگر اقتصاد ملی از درون نجوشد و فوران نکند، به جایی نخواهد رسید. بله، تعامل با دنیا در زمینه‌های اقتصادی خیلی خوب است اما تعامل هوشمندانه و تعاملی که معنایش درون‌زایی اقتصاد باشد (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱).

در اقتصاد درون‌زا، تولید و رفع موانع آن مهمترین دغدغه مسئولین است. اقتصاد درون‌زا به دنبال مردمی سازی اقتصاد و تقویت بخش خصوصی و در یک کلام اقتصاد مردم سالار است. این اقتصاد تکیه بر توان و تولید داخلی دارد. مقاوم سازی در برابر تحریم‌ها و استقلال اقتصاد از ارکان مهم درون‌زایی اقتصاد است که امنیت اقتصادی کشور از طریق تولید کالای ضروری کشور و خودکفایی اقتصادی تامین می

شود. استقلال اقتصادی در اقتصاد مقاومتی عزت و اقتدار و فرور ملی می آفریند و کشور را در مقابل تهاجم و تکانه های اقتصادی خارجی مقاوم می کند.

ج) الگوی پیشرفت بومی

اقتصاد مقاومتی به مثابه یک الگوی پیشرفت بومی است که خطوط کلی آن توسط مقام معظم رهبری تعیین شده است و می تواند یک الگوی جدید پیشرفت در دنیا ایجاد کند. این الگو پیشرفت بر مبنای چهار پایه مهم استوار است که عبارتند از:

۱. اصلاح فرهنگ اقتصادی

اصلاح فرهنگ اقتصادی کشور و سبک زندگی اسلامی که مبتنی بر فرهنگ اسلامی است، یکی از دغدغه های مهم اقتصاد مقاومتی است. اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف همواره مورد تاکید مقام معظم رهبری بوده و یکی از نشانه های فرهنگ اسلامی است. همچنین ترجیح کالای داخلی بر خارجی و پرهیز از مصرف گرایی که نشانه فرهنگ مصرفی گرایی غربی است، از ارکان مهم اقتصاد مقاومتی است. در فرهنگ اسلامی مردم باید رویکرد جهادی به اقتصاد کشور داشته و با تکیه بر کار و تولید بیشتر و پرهیز از اسراف، اقتصاد کشور را مقاوم کنند.

از نظر مقام معظم رهبری، مسئله ی اصلاح الگوی مصرف از مؤلفه های سیاستهای مقاومتی است: «مسئله ی صرفه جویی، پرهیز از ریخت و پاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه کردهای زائد. البته در این زمینه خطاب اول من متوجه به مسئولان است؛ مسئولان نه فقط در زندگی های شخصی خودشان - که حالا آن یک مسئله ی درجه ی دو است - [بلکه] در درجه ی اول و در حوزه ی مأموریت خودشان باید بجد از ریخت و پاش پرهیز کنند. مجموعه ی مسئولین کشور بایستی در شئون مجموعه ی تحت مدیریت خودشان به این توجه کنند: اسراف نباشد؛ الگوی مصرف، یک الگوی حقیقتاً عاقلانه، مدبرانه، اسلامی باشد. ما به مردم نمیگوییم که ریاضت بکشند؛ بلکه بعکس است؛ ما معتقدیم که اگر این سیاستها اعمال بشود، وضع مردم بهتر خواهد شد، طبقات ضعیف گشایش پیدا خواهند کرد. در کشوری که تورم در حد مطلوب باشد، اشتغال در حد مطلوب باشد، آنجا عموم مردم در راحتی و آسایش و رفاه زندگی خواهند کرد. ما به هیچ وجه به مردم نمیگوییم ریاضت [بکشند] ما میگوییم ریخت و پاش نباشد؛ مصرف کردن یک حرف است، بد مصرف کردن یک حرف دیگر است (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

۲. الگوی مدیریت اقتصادی

تکیه بر الگوهای بومی پیشرفت متناسب با فرهنگ اسلامی- ایرانی، نگاه به نخبگان، اقتصاد دانش بنیان و مدیریت جهادی از ویژگی های مهم الگوی اقتصاد مقاومتی است. مقام معظم رهبری به کرات تاکید کرده اند که در مدیریت اقتصادی کشور از کارشناسان و نخبگان، خصوصاً نخبگان جوان استفاده شود. رویکرد مقام معظم رهبری به اقتصاد یک اقتصاد مبتنی بر علم و دانش بنیان است، همچنانکه می فرمایند: «یکی هم مسئله‌ی حمایت جدی از اقتصاد دانش بنیان؛ بایستی همه به معاونت علمی کمک بکنند، همه‌ی دستگاه‌ها بایستی کمک بکنند. ما باید مسئله‌ی اقتصاد دانش بنیان را جدی بگیریم، این شرکتهای دانش بنیان را واقعاً جدی بگیریم. شاید بتوان گفت میلیونها جوان الان در کشور هستند که اینها آماده‌ی کارند که اگر یک کمکی به اینها بشود، میتوانند واقعاً در این قسمت‌ها پیش بروند و بخشهای مختلف را [فعال] کنند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیات دولت، ۱۳۹۵/۶/۳).

همچنین مقام معظم رهبری در خصوص مدیریت اقتصادی کشور بارها فرموده‌اند که با کار عادی نمی شود وضعیت اقتصاد را سامان بخشید، اقتصاد مقاومتی نیاز به مدیریت جهادی دارد که خستگی ناپذیر کار کنند: «[از مؤلفه‌های سیاستهای مقاومتی، رویکرد جهادی است که در این سیاستها مورد ملاحظه قرار گرفته؛ همت جهادی، مدیریت جهادی. با حرکت عادی نمیشود پیش رفت؛ با حرکت عادی و احیاناً خواب‌آلوده و بی حساسیت نمیشود کارهای بزرگ را انجام داد؛ یک همت جهادی لازم است، تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها لازم است. باید حرکتی که میشود، هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد، و هم مجاهدانه باشد (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

۳. اقتصاد عدالت-محور

اقتصاد عدالت محور و حمایت از طبقات مستضعف جامعه یکی از ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی است. اساساً انقلاب اسلامی به فرموده حضرت امام (ره)، انقلاب مستضعفین بود. بنابراین در سیاست های اقتصاد مقاومتی نیز این موضوع عدالت بسیار مورد توجه قرار گرفته و مقام معظم رهبری نیز بر آن تاکید داشته‌اند: «در مورد اقتصاد، اعتقاد ما این است که پیشرفت اقتصاد کشور، باید همراه با عدالت باشد؛ ما اقتصاد منهای عدالت را قبول نداریم؛ یعنی انقلاب قبول ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی قبول ندارد. باید مراقبت بکنید که فاصله‌ی طبقاتی پیش نیاید؛ فقرا پامال نشوند؛ اینها جزو مسائل اساسی در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی ما است که بعد به اقتصاد مقاومتی اشاره خواهم کرد؛ همین مسئله‌ی عدالت و تأمین حداقل‌ها در سیاستهای

اقتصاد مقاومتی دیده شده است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیات دولت، ۱۳۹۴/۶/۴).

۴. اصلاح ساختار اقتصادی

اصلاح ساختار اقتصادی کشور از مهمترین اولویت های اقتصاد مقاومتی است. این اصلاح ساختار از دیدگاه مقام معظم رهبری باید به گونه ای باشد که فساد مبارزه کرده، تورم را کنترل کند، مشکل بیکاری و اشتغال کشور را حل کند. در عین به انعطاف پذیری و متنوع سازی اقتصاد کشور منجر شود. برای این منظور لازم است که اقتصاد بدون نفت در کشور جدی گرفته شده، همچنین نظام بانکی نیز اصلاح شده و در خدمت تولید باشد. علاوه بر این، منابع ارزی کشور نیز که در اثر تحریم های طالمانه کاهش پیدا کرده است، باید به گونه ای درست مدیریت و مصرف شوند.

در این خصوص مقام معظم رهبری در تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی می فرمایند: «از انگیزه ها و عوامل تهیهی سیاستهای اقتصاد مقاومتی، مشکلاتی است که داریم - مشکلات مزمن، مشکلات دیرپا - که اینها جز با یک حرکت اقتصادی جمعی مهم، امکان ندارد برطرف بشود؛ یکی از آنها وابستگی به نفت است که عرض کردیم، یکی از آنها عادت به واردات است - آن هم واردات بدون اولویت؛ عادت است که متأسفانه دچار آن هستیم و این عادت را هم نتوانستیم کنار بگذاریم؛ نگاهمان به تولید خارجی است - تورم مزمن، بیکاری، معیوب بودن برخی از ساختارهای اقتصادی ما، اشکال در نظامات مالی ما - نظامات پولی ما، نظامات بانکی ما، نظامات گمرکی ما - اشکال در الگوی مصرف، اشکال در مسئلهی تولید، اشکال در بهره‌وری؛ اینها مشکلات موجود کشور است، باید با اینها مقابله کرد. یکی از چیزهایی که هر انسان دلسوزی را و هر مسئول با همتی را برمی‌انگیزد که کاری و حرکتی از قبیل اقتصاد مقاومتی انجام بدهد، وجود همین مشکلات است. اینها جز با یک حرکت جهادی و جمعی و دلسوزانه و مستمر - با الزاماتی که دارد و عرض خواهم کرد - میسر نخواهد شد (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

روایت یا داستان تحقیق

داستان یا روایت تحقیق یک شبکه مضمونی به یا یک الگو به شکل تارنما و شبکه ایجاد کرده است که در زیر ضمن ترسیم الگوی روایت تحقیق، به توضیح آن نیز خواهیم پرداخت:

کالای ضروری را تضمین می کند و در یک کلام اقتصادی خودکفا است. از دیگر ویژگی های درون زایی این اقتصاد، قدرت اقتصادی است. این قدرت اقتصادی اقتدار ملی، عزت ملی و اعتماد به نفس ملی با خود می آورد. از دیگر ویژگی های عام یا مضمون فراگیر اقتصاد مقاومتی مد نظر رهبر انقلاب این است که اقتصاد مقاومتی یک الگوی بومی پیشرفت است. این الگوی بومی پیشرفت به دنبال ایجاد یک اقتصاد الگو است. این اقتصاد الگو نخبه سالار و دانش بنیان است، یک الگوی اقتصاد بومی با مدیریت جهادی است که به سرعت به سمت پیشرفت حرکت می کند. همچنین این الگوی پیشرفت یک اقتصاد عدالت-محور است؛ یعنی به دنبال عدالت عمومی، توجه به معیشت طبقات ضعیف و پیاده سازی عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی است. علاوه بر این، این الگوی بومی پیشرفت مد نظر مقام معظم رهبری به دنبال اصلاح ساختار اقتصادی کشور است. این اصلاح ساختار باید منجر به کنترل تورم، ایجاد اشتغال، فساد ستیزی و ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد کشور شود. همچنین اقتصاد مقاومتی به دنبال اقتصاد بدون نفت و متنوع سازی اقتصاد جهت رهایی از وابستگی به نفت و جلوگیری از خام فروشی است. جهت رهایی از وابستگی به نفت اقتصاد مقاومتی به دنبال متنوع سازی اقتصاد و فاصله گیری از اقتصاد تک محصولی نفت محور است. همچنین اصلاح در نظام بانکی جهت اصلاح سیستم پولی کشور و نیز مدیریت منابع ارزی در شرایط تحریم از مهمترین ارکان الگوی بومی پیشرفت رهبر انقلاب است. تمام موارد ذکر شده در بالا، مجموعاً منجر به پیشرفت کشور و ایجاد یک الگوی اقتصادی جدید به نام اقتصاد مقاومتی در کشور خواهد شد که رهبر معظم انقلاب سالهاست به دنبال اجرایی این الگو توسط دولت های مختلف است و این پژوهش با تحلیل متن سخنران های رهبر انقلاب مهمترین ویژگی های این الگوی اقتصادی را استخراج کرده و به شکل الگویی از شبکه مضامین در بالا ترسیم نموده و شرح داد.

۵- نتیجه گیری

اقتصاد مقاومتی به عنوان یکی از مهمترین تاکتیک‌های عملیاتی اقتصاد اسلامی - بومی مدتی است در جامعه ما مطرح شده است. مقام معظم رهبری در مورد اقتصاد مقاومتی و تبیین آن می‌فرماید اقتصاد مقاومتی معنایش این است که هم روند رو به رشد کشور حفظ شود و هم آسیب پذیریش در مقابل خطرات و تهدیدات دشمنان کاهش پیدا کند، یعنی وضع اقتصادی کشور طوری پیش رود که در برابر ترفندهای دشمنان داخلی و خارجی که همیشگی هستند و به شکل‌های گوناگون خواهند بود آسیب پذیری کمتری ببیند. نظر به اهمیت مفهوم اقتصاد مقاومتی، این پژوهش به روش تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی مضامین مهم اقتصاد مقاومتی در بیانات رهبر معظم انقلاب پرداخته است. پژوهش حاضر این واقعیت را برجسته کرد که تحلیل گفتمان انتقادی در درجه اول در محیط زبان قرار می‌گیرد و موفقیت‌های آن را می‌توان با میله اندازه‌گیری مطالعه زبان‌ها سنجید. زبان را می‌توان برای نشان دادن باورها، مواضع و ایده‌های گویندگان از نظر متون گفتاری مانند مکالمات استفاده کرد. پیام‌های کتبی یا شفاهی معانی را منتقل می‌کنند اگر معنای اصلی کلمات را تحلیل کنیم. تجزیه و تحلیل معانی زیربنایی می‌تواند به تفسیر مسائل، شرایط و رویدادهایی که محققان در آن قرار دارند کمک کند. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام گرفته است. تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، سازماندهی، و ارائه بینش در مورد الگوهای معنا (موضوعات) در یک مجموعه داده است؛ از طریق تمرکز بر معنا در یک مجموعه داده. همچنین ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، شبکه مضامین بوده است. در روش شبکه مضامین آنچه مضامین عرضه می‌کنند نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین بر اساس روندی مشخص، مضامین را در سه دسته مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر سازماندهی می‌کند؛ سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما رسم و مضامین برجسته هریک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. بر همین اساس در پژوهش حاضر متن نوشتاری ۱۵ سخنرانی مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی تحلیل مضمون شده و پس از احصاء مضامین پایه‌ای، مضامین سازمان دهنده و فراگیر نیز از متن این سخنرانی‌ها استخراج شده است. مهمترین مضامین سازمان دهنده تحقیق عبارتند از: ارتباط با خارج، اقتصاد تولیدی، اقتصاد مردم محور، عدم وابستگی، قدرت اقتصادی، اصلاح فرهنگ اقتصادی، اقتصاد الگو، اقتصاد عدالت محور و اصلاح ساختار اقتصادی. در نهایت نیز با ادغام مضامین سازمان دهنده، سه مضمون فراگیر بر اساس بیانات مقام معظم رهبری استخراج شده است: اقتصاد درون‌زا، اقتصاد برون‌گرا و الگوی پیشرفت بومی. در توضیح سه مضمون فراگیر پژوهش شایان ذکر است که اقتصاد مقاومتی مد نظر مقام معظم رهبری بر امکانات و

توانایی‌های داخلی استوار است که مهمترین هدف آن در این زمینه استقلال اقتصادی و مقاوم سازی اقتصاد در برابر تحریم‌ها و تکانه‌های اقتصاد جهانی است. البته همزمان مقام معظم رهبری از امکانات اقتصاد جهانی نیز غافل نبوده و خواهان ارتباط موثر و متعادل اقتصادی با دیگر کشورهای دنیا نیز می‌باشد. بدین معنا، اقتصاد مقاومتی هم درون‌زا است و هم برون‌گر؛ هم نگاه به داخل دارد و هم ارتباط با خارج. از این رو، این الگوی اقتصادی یک الگوی پیشرفت بومی است که مقام معظم رهبری با توجه امکانات و توانایی‌های داخلی و وضعیت فعلی کشور، آن را عرضه کرده تا کشور از بحران اقتصادی فعلی عبور کرده و به عنوان یک الگوی توسعه موفق بتواند سرمشق توسعه دیگر کشورهای منطقه و جهان شود. که البته این الگوی پیشرفت بومی مستلزم ایجاد اصلاحاتی در ساختار اقتصادی کشور است که شرح آن به تفصیل در متن پژوهش و مضامین پایه‌ای و سازمان دهنده استخراج شده از بیانات مقام معظم رهبری در زمینه اقتصاد مقاومتی بیان شد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- پیغامی، عادل (۱۳۸۹). «الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، رویکردها و راهبردها»، *گفتگوی با مجله راهبرد بومی دانشگاه عالی دفاع ملی*، سال یازدهم، شماره ۱۰۴، صص ۲۷-۴۵.
- عبدالمنافی، سعید و وظیفه آزادانی، داوود (۱۳۹۷). «تحلیل محتوایی نقش اقتصاد مقاومتی در سبک زندگی مطابق با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، پنجمین همایش بین‌المللی نوآوری، توسعه و کسب و کار، تهران، قابل دسترسی در: <https://civilica.com/doc/773233>
- قدیم ملالو، علی و همکاران (۱۳۹۴). «اقتصاد مقاومتی؛ الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی و اقتصاد مقاومتی، تهران، قابل دسترسی در: <https://civilica.com/doc/598459>
- Albertin Carbó, P., Vázquez Ahumada, Andrea., Dorado, A.D. (2016). "How do I do Discourse Analysis?", *Qualitative Social Work*, 15 (3), pp. 363-379.
- Barnett, T. (2006). *Analysing Oral Texts, or How Does an Oral History Mean?*, Los Angeles: University of California.
- Bondarouk, Tatyana (2004). "Discourse Analysis: Making Complex Methodology Simple", *Research Gate*, At: <https://www.researchgate.net/publication/221407410>.

- Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2012). "Thematic Analysis", APA Handbook of Research Methods in Psychology, Vol. 2, Pp. 57-71.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology; *Qualitative Research in Psychology, Journal of Psychology*. Vol. 3 (2), Pp. 77-101.
- Braun, V. & Clarke, V. (2009). "Special Issue: Coming out in Higher Education", *Lesbian & Gay Psychology Review*, V. 10 (1), Pp. 3-69.
- Brenes, CA. (2005). *Analysing Oral Narrative Using Discourse Analysis Tools: Observing How Spoken Language Works*. Costa Rica: University of Costa Rica.
- Crosley, Jenna (2021). "What (Exactly) Is Discourse Analysis? A Plain-Language Explanation & Definition (With Examples)", *GRADCOACH*, At: <https://gradcoach.com/discourse-analysis-101/>
- Dunn, K., and Neumann, I. (2016). *Undertaking Discourse Analysis for Social Research*, Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Frith, H. & Gleeson, K. (2004). "Clothing and Embodiment: Men Managing Body Image and Appearance", *Psychology of Men & Masculinity*, V. 5(1), Pp. 40-48.
- Fulcher, R. (2010). *Critical Discourse Analysis*. London and New York: Longman.
- Howitt, D. & Cramer, D. (2010). *Introduction to Research Methods in Psychology*. 2nd Edition. Harlow: Pearson Education Limited.
- Locke, T. (2004). *Critical Discourse Analysis*. London: Cromwell Press.
- Lucke, A. (1996). "Text and Discourse Analysis". *American Educational Research Association*. Vol. 21, Pp. 3-17.
- McGregor, S.L.T. (2010). *Critical Discourse Analysis: A Primer*, Halifax: Mount Saint Vincent University.
- Okot, M.B. (2007). *Text and Textuality in Oral Performance*, London: Sage Publications.
- Rogers, R., Malamcharuvil-Berkes, E., Mosley, M., Hui, D and O'Garro Joseph, G. (2005). *Critical Discourse Analysis in Education: A Review of the Literature*. Washington: Sage Publications.

- Salah R. Agha (2014). "A Multi Criteria Crop Planning Model Based on the "Resistive Economy" Characterizing the Situation in Gaza Strip, *Faculty of Islamic Studies - Sustainable Growth and Inclusive Economic Development from an Islamic Perspective*, At:
<http://conference.qfis.edu.qa/app/media/321>
- Van Dijk, T.A. (2006). *Principles of Critical Discourse Analysis*, Amsterdam: University of Amsterdam.
- Van Dijk, Teun A. (2001). *Critical Discourse Analysis*, Handbook of Discourse Analysis, Oxford: Blackwell, At:
https://edisciplinas.usp.br/pluginfile.php/4966482/mod_resource/content/1/van%20DIJK%20Critical%20Discourse%20Analysis.pdf
- Wodak, R. (2009). *Aspects of Critical Discourse Analysis*, London: Sage Publications.
- Wodak, R & Meyer, M. (2009). *Methods of Critical Discourse Analysis*, London and New York: Longman.